

پیشگیری جرائم و شهردنشینی

نوشته پروفسور ژرژ پیکا دادیار دیوانعالی کشور در پاریس
دبیرکل انجمن بین المللی جرمشناسی

(ترجمه عزیزطوسی)

گزارشی برای سی ونهمین سمینار بین المللی جرمشناسی هاوانا - کوبا - ۶ تا ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۷

سرعت افزایش جمعیت در جوامع پیشرفته زیاد شوند، افزایش جمعیت شهری چنان خواهد بود که در سال ۲۰۰۰ نصف جمعیت دنیا شهردنشین خواهند بود.

پس باید قبول کرد که در میان مشکلات بزرگی که امروزه برای بشریت مطرح میشود، نه تنها افزایش خارق العاده جمعیت دنیا بچشم میخورد بلکه نتایج انفجار آمیز شهردنشینی و اثرات شوم آن بر روی افزایش بزهکاری نیز بعنوان یک مشکل اجتماعی جلوه گر میشود.

دانشمندان جرمشناس تردید ندارند که شهردنشینی اثری مثبت بر روی توسعه بزهکاری دارد و از مدت هاپیش عوامل گوناگونی که می توانند مناطق شهری را جرم زا گردانند، بطور برجسته نشان داده شده اند. اما ارزیابی نتایج اقدامات پیش گیری کننده که برای راکد نگهداشتن نتایج شوم شهردنشینی بعمل آمده است فراموش شده است. این ارزیابی، در کشورهای جهان سوم که بنوبه خود با مساله شهردنشینی روبرو هستند فایده ویژه ای داشت.

حکومتها و حقوقدانان، پیشگیری از جرم را ترجیح میدهند و اتخاذ این روش را توصیه می نمایند.

* اهمیت شهردنشینی در ارتکاب جرائم:

باتوجه به اهمیت شهردنشینی در دنیای جدید و تمرکز بزهکاری در این مناطق توسل به پیشگیری از جرائم در مناطق شهری می تواند بهترین عملکرد را داشته باشد. زیرا اگرچه شهردنشینی (که بعنوان یکی از مهمترین پدیده های نیمه دوم قرن بیستم مد نظر قرار گرفته است) در ابتدا واقعه و پدیده ای ناشی از مکانیزه شدن جوامع اروپایی بود، بعداً بصورت پدیده ای عالمگیر درآمد که کشورهای جهان سوم هم با آن دست به گریبان شدند. باتوجه به گسترش جغرافیایی شهرها و وقوع مهاجرت های فراوان جمعیت شهردنشین دنیانسبت به کل جمعیت دنیا افزایش بیشتری را نشان میدهد.

اگر جمعیت جوامع در حال پیشرفت که اکثرآ جامعه کشاورزی هستند با همان

پیشگیری از جرم:

پیشگیری از جرم اندیشه ای نوظهور نیست بلکه قسمتی از گفتگوهای شایعی را که در طول تاریخ درباره واکنش جامعه در قبال بزهکاری بعمل آمده است، تشکیل میدهد. دانشمندان پذیرفته اند که در دوران ابتدایی هر کدام از سیستم های کیفری، همزمان با توسل جامعه به مجازاتها مساله پیشگیری عام را نیز جوابگو بودند و این پیشگیری بسوسيله ویژگی تهدید آمیز مجازات تأمین می شد.

ولی علاقمندی جدیدی که امروزه موضوع پیشگیری جرائم نزد جرمشناسان و مسئولین سیاسی برمی انگیزد ناشی از دغدغه خاطرات آنان است، دغدغه خاطری برای یافتن چشم اندازی نوین جهت کنترل اجتماعی جرائم و این چشم انداز را در قلمروی خارج از سیستم های کیفری جستجو می کنند. بدلیل عدم موفقیت، ناکامی نسبی و هزینه های سرسام آور روش قدیمی دادرسی کیفری در مقابل بزهکاری معاصر است که مسئولین



زندان رقم بالایی را تشکیل میدهد و علیرغم اینکه تعدادی از محکومین قبل از موعد از زندان آزادی شوند و تعدادی از مجازاتهای حبس جای خود را به اقدامات قائم مقام حبس داده‌اند، مشکلات نگهداری زندانیان در بنیاد تشکیلات دادرسی کیفری و افزایش ارتکاب جرائم از طرف دیگر، صحت ادعای دانشمندان علوم جنایی را مورد شک و تردید قرار داده است و در نتیجه حکومتها پیروی از سیاست کیفری را کافی نمی‌دانند.

حکومت‌های متعددی گرفتار این حالت بحرانی شده و کمیسیونهای متخصصین جلسات زیادی تشکیل داده‌اند که کارشان غالب توجه بوده است ولی مشاهده میشود که نحوه عملکرد آنان اصلاحاتی بدنبال نداشته است.

* مبارزه با بزهکاری :

موقعیت انتقاد آمیزی که سیستم رسیدگی کیفری در آن قرار دارد معلول تبدیل سیمای بزهکاری و تطورات اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی است که سیستم‌های رسیدگی، نظریه فقدان وسائل یا قابلیت انعطاف نتوانسته‌اند آنها را مدنظر قرار دهند.

این گزارش و بررسی در همه حال نمی‌تواند در کشورهای پیشرفته و

اجتماعی جرم، برای بسیاری از حکومتها بصورت یک مسئله عظیم و لاینحل درآمده است. در رابطه با این نکته نظریات بیشماری طی بیست سال گذشته تکوین یافته است که کافی است خلاصه ای از آنرا یادآوری کنیم.

شخص ذینفع از یکطرف افزایش بزهکاری و مشکلات جدید آنرا که آمار نشان میدهد، بررسی و تحقیق میکند ولی از طرف دیگر قسمت مهمی از جرائم، کشف نشده و ناشناخته میمانند. حاصل امر این میشود که احساس ناامنی در افکار مردم شهرهای بزرگ برقرار میشود و ظهور پدیده‌های خود حمایتی چندین برابر میگردد.

منظور از پدیده‌های خود حمایتی، گروه مراقبت، سیستمهای آژیر خطر و سایر اقدامات و وسائل خوددفاعی است.

افزایش بزهکاری موجب هزینه‌های جدیدی برای سیستم رسیدگی کیفری شده است. خدمات پلیسی، به سختی فعالیتهای مجرمانه را کنترل می‌کند و میزان تاثیر این خدمات کاهش می‌یابد. با وجود اینکه تعدادی از شکایات ثبت نمی‌شوند، دستگاههای قضائی دعوت شده‌اند که طوماری از مرافعات رارسیدگی کنند، مرافعاتی که نگاهی به میانگین آنها، اهمیت آنها را آشکار میکند. تعداد بیشماری از پرونده‌های دعاوی به وسیله دادسرا بدون نتیجه کلاسه بندی میشوند، در نتیجه این اوضاع و احوال است که میزان قربانیان اعمال جنایتکارانه افزون میگردد. در بعضی زمینه‌ها، افزایش قابل ملاحظه جرائم، قوای حاکمه را مجبور کرده تا قوانین و تصویب نامه‌هایی را پذیرا شوند که گونه‌هایی از اعمال ضد اجتماعی را از جرگه جرائم قابل مجازات خارج می‌کنند.

بالاخره تعداد بازداشت شدگان در

شهرهای کشورهای غیر صنعتی امروز با چنان آهنگ و سرعتی افزایش می‌یابند که گاهی از سرعت افزایش شهرنشینی در کشورهای صنعتی نیز تجاوز می‌کنند.

بعضی اوقات این سرعت بدانجا میرسد که حتی افزایش شدید شهرنشینی کشورهای صنعتی در دوره انقلاب صنعتی نیز پیک آن نمیرسد.

عامل قطعی در افزایش شهرنشینی بی‌رویه در کشورهای غیر صنعتی عبارت است از: فشار توده محرومان و ازدیاد سرسام آور جمعیت.

شهرهای ممالک در حال توسعه اغلب محل برخورد و التقای دو جامعه صنعتی و غیر صنعتی است.

بعبارت دیگر یک جامعه منطبق و سازمان یافته در برابر جامعه دیگری که مراحل انتقال از یک جامعه کشاورزی در حال از هم پاشیدگی به یک جامعه صنعتی شهرنشین را طی میکند.

شهرنشینی سنتی که عموماً مهاجرتی بوده است، مانند: شهرهای مستعمره قرن نوزدهم و بیستم و یا شهرهای غیر مستعمره‌ای، شهرهای غیر مستعمره‌ای یعنی شهرهایی که از نظر اقتصادی تحت سلطه بودند ولی کشور متبوعه آنها از لحاظ سیاسی مستقل بود مثل آمریکای لاتین.

این شهرها البته در بیشتر اوقات چندان مناسب این افزایش جمعیت نبودند.

در نتیجه اساس مطلب اینست که ارشادات نوین توسط کشورهای پیشرفته بعمل آید؛ و این ارشادات و هدایتها درباره واکنشهای جامعه و تحول و تطور سیاست پیشگیری جرائم و برفع کشورهای در حال توسعه باشد.

* بزهکاری در مناطق شهری :

در مناطق شهری، میزان تهدیدات و خطرات ناشی از بزهکاری تا آنجا رسیده است که دیگر افکار عمومی تاب تحمل آنرا ندارند. در نتیجه کنترل

کشورهای درحال پیشرفت یکی باشد چون ویژگی های بزهکاری در آنها یکسان نمی باشد. همچنین باید توجه داشت که در اکثر کشورها ساختار سیستم جزایی و آئین دادرسی کیفری اغلب با فرم جدید مبارزه طلبانه «بزهکاری» انطباق ندارد.

با وجود این در بیشتر جوامع متمدن در دهه اخیر، مساعی عمده مسئولین در جهت بهتر کردن و بهسازی درمان کیفری، گسترش یافته است که این پدیده خود امید بزرگی را در دل های دانشمندان نگران برمی انگیزد که روزی مجرمین بتوانند دوباره وارد جامعه شوند.

(زندانیها) اعتبار و اگذار کرد، بی آنکه بزرگترین تأثیر مورد انتظار باشد یعنی درقبال واگذاری این همه اعتبارات سنگین انتظار این است که از اعتبارات به بهترین روش استفاده شود و به مقتضای بهترین استفاده، بهترین نتیجه بدست آید. در اختیار گذاشتن وسائل و روشهای تکمیلی و کمکی به مراجع رسیدگی کیفری و نوسازی و نوآوری در آن ها بمنظور تأثیر بیشتر، مخارج اضافی بر بودجه های ملی تحمیل می کند، سیاست عاقلانه کردن تنظیم بودجه و تدبیر لازم در آن، تحلیل دقیقتری را می طلبد، تا آنجا که پیش از این در انتخاب سیاست جنایی چنین تحلیل لطیف و ظریفی لازم نبود.

بهسازی درمان کیفری خود پدیده ای است که امید بزرگی را در دل های دانشمندان نگران برمی انگیزد که روزی مجرمین بتوانند دوباره وارد جامعه شوند.

روش دنبال کردن راه حل تسهیلاتی یعنی زیاد کردن نیروی پلیس یا زندانیها خوب است ولی راه حل دیگری نیز بنظر میرسد که بر آن ترجیح دارد و آن انتخاب راه حل نوین است، به عبارت دیگر پیش گیری از وقوع جرم، بخصوص زمانی که موضوع عبارت از اشکال معینی از بزهکاری باشد کم می باشد که در این زمینه باید چشم اندازهایی ملحوظ نظر قرار گیرند که بتوانند پیشگیری از وقوع جرم را جلوه گرا سازند.

* سیاست پیشگیری :

باید در نظر داشت که روش بازدارندگی اغلب همراه یک نوع تضعیف کیفری است، حتی یک اندیشه خطرناک نیز

قابل مجازات میشود، و دلیل آن این واقعیت است که محتوی و حدود مفهوم پیشگیری هرگز به روشنی تعریف نشده است. همچنین روشهای عملکرد در موضوع پیشگیری بندرت پیشنهاد شده اند.

نباید فراموش کرد که کیفر، ریشه در جوامع خیلی قدیمی دارد و بیانگریک واکنش عمیقاً ریشه دار در وجدان اجتماعی است، در صورتی که پیشگیری اینگونه نیست. ظاهراً سیستم پیشگیری ابتدا همه معیارهای مجازات کردن را که عدم تصویب فعل مجرمانه از طرف جامعه است، کنار گذاشته تا بتواند به سیستم پیشگیری یک معنا و مفهوم درمانی ببوشاند، معنایی که در خلاف جهت افکار عمومی جامعه می باشد.

بنابراین برای مساعد کردن زمینه اجرای سیستم بازدارنده، رفع این تناقض ضروری و غیر قابل اجتناب است.

این مسئله نباید بعنوان یک بهداشت اجتماعی مبهم جلوه کند و در نظر داشته باشد که بامجرم مثل یک مریض رفتار کنند و در نتیجه مسئولیت همه اعمال و رفتار او را بر عهده هیأت جامعه مترتب سازد؛ برای اینکه پیشگیری از جنایتکار مورد قبول گروه اجتماعی باشد نباید بعنوان جانشین وقائم مقام مجازات جلوه کند، بلکه باید مجازات در کنار آن حفظ شود.

بعلاوه باید بطور واضح بیان کنیم که در سیاست جنایی کلاسیک یا حتی در طرح ریزی نوین اجتماعی بسیاری از کشورها، پیشگیری جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است، فرض بر این است که پیشگیری نه تنها یک اراده سیاسی گروه اجتماعی را ایجاد میکند بلکه یک پذیرش خاص گروه اجتماعی را نیز لازم دارد که اغلب بصورت سکوت است. این پذیرش بر حسب ساختار سیاسی و ایدئولوژی حاکم بر کشورها یا فرهنگ

کشورها تغییر پذیر است. بنابراین، مفهوم پیشگیری در اجتماعات صنعتی شده از نوع سوسیالیستی، جوامع مغرب زمین و ممالک در حال توسعه، مختلف و گوناگون می‌باشد. پیشگیری حتی ارائه بهترین اطلاعات را درباره نظریات مربوط به مسائلی که جرم در جامعه مطرح می‌کند لازم می‌داند.

سیاست پیشگیری بر حسب روشها در استراتژی های مختلفی می‌تواند بکار گرفته شود که شخص می‌تواند آنها را در دو گروه طبقه بندی کند:

الف - اقدام به محدود کردن فرصت های ارتکاب جرم یا مشکلتر کردن تحقق این فرصت برای مجرمین بالقوه بنماید که این روش را "پیشگیری موضعی" می‌نامند.

ب - عمل کردن بر روی محیط اجتماعی برای تقلیل دادن اثرشوم فاکتورهای جرم یا عوامل مشکوک به جرم زابودن که این روش را "سیستم پیشگیری اجتماعی" می‌گویند.

*** پیشگیری موضعی:**

در جوامعی که در آنهارونق اقتصادی، استفاده از کالاهای مصرفی را چند برابر کرده است یا مدهای زندگی را معمول کرده، بویژه در مناطق شهری و نتایج فساد انگیز آن سرچشمه های بزهکاری را چندین برابر افزایش داده است، ضرورت دارد که فرصتهای بزهکاری با توسل به تعداد معینی از روشهای منصرف کننده و بازدارنده، تقلیل داده شود و این روش ها قبل از هر اقدام کیفی از نوع فنی باشند. جنبه تهدید آمیز یک مجازات کلاسیک و قدیمی، برای منصرف کردن مجرمین مستعد ارتکاب جرائم خاص، کافی نیست چون خطر دستگیر شدن این مجرمین بالقوه خیلی کم و محدود است. بعضی از اشکال معاصر «بزهکاری توده ای» وجود دارند که تحقیق در مورد

کنترل اجتماعی جرم، برای بسیاری از حکومتها بصورت یک مسأله عظیم ولایسنحل درآمده است.

آنها مشکل است زیرا تعداد قابل توجه این جرائم موجب میشوند که اغلب مرتکبین آنها بی کیفر بمانند بعبارت دیگر فزونی آمار ارتکاب، رهایی از کیفر را تضمین می‌کند، مانند جرائم سرقت از وسائل نقلیه و جرائم ربودن اموال، بنابراین بجاو شایسته است که اقداماتی را توسعه دهیم که قابلیت حصول به هدف ها را برای مجرمین تقلیل می‌دهند مانند اقدامات ضد سرقت، نشاندار کردن وسائل نقلیه، سیستم اعلام خطر و غیره، همچنین با شرکت ثمر بخش شهروندان در امنیت ویژه خودشان، می‌توان به پلیس در راه انجام وظیفه اش کمک کرد. پیشگیری موضعی اولین روشی است که در کشورهای مختلف، قوای حاکم علاقه خاصی به آن نشان میدهند. از کاربرد این روش، تعداد معینی از مقررات جدید ناشی شده است، مثل انتقال موجودی بانکها به یک ساختمان معین و حفاظت دقیق از آن و نیز اتحاد حرفه های حساس مانند دارو فروشی، بانکها، جواهر فروشی ها و غیره زائیده آن بوده است. این روش حتی موجب بکارگرفتن تجهیزات جدیدی مانند کابین های مجهز به تلفن با صفحه مغناطیسی برای جلوگیری از خرابگری آثار هنری شده است.

با وجود این انسان در این زمینه هم خیلی سریع به مرزهای امکان و توان میرسد و ناگهان خود را عاجز می‌بیند زیرا گسترش اقدامات تأمینی و امنیتی جدید اغلب موجب میشود که بزهکاری از زمینه های مورد مراقبت به حوزه هایی

نقل مکان کند که کمتر مورد حمایت هستند. با این وجود ما فکر می‌کنیم که در مناطق شهری این نخستین روشی است که دارای امکانات فراوان می‌باشد. وانگهی این روش کمک مهمی به انجمن های خصوصی مراقبت و امنیت می‌کند؛ این انجمن ها مخصوصاً از طرف کمیته ویژه متخصصین شورای اروپایی پیشگیری جرائم که دفتر آن را بین سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۶ دایر کرده ایم مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

*** پیشگیری اجتماعی:**

قلمرو این روش بر این اصل مسلم استوار است که یک ارتباط و هم بستگی بین محیط اجتماعی، شرایط زندگی مجرمین و بعضی از انواع جرائم وجود دارد. این رابطه موجب شده تا کنشهایی توصیه گردد که هدفش تغییر شرایط نامساعد مؤثر در زمینه اجتماعی و اقتصادی است، شرایط اجتماعی و اقتصادی که بزهکاران در آن زندگی میکنند. بنابراین اصلاحات کلی و همه جانبه در زمینه های بهداشت عامه، آموزش و پرورش، خانه و مسکن، بیکاری و شغل و اشتغال از آن جمله اقداماتی هستند که هدفشان تغییر شرایط بزه آفرین است. تمرکز جمعیت در شهرها اهمیت تازه و ویژه ای باین نوع پیشگیری داده است، به نتیجه این تمرکز نباید تنها از دیدگاه طرح کمیتهی در نظر گرفته شود چون علاوه بر کمیت، این تمرکز در کیفیت هم مؤثر است که همراه مشکلات کمیتهی، بی نظمی و هرج و مرج را در تشکیلات فضای شهری ایجاد کرده است. زندگانی در دل شهرهای مسنطق جرم خیز، از مدت هایش تاکنون بطور برجسته مدنظر بوده است. باید از تعارض فرهنگ ناشی از این تمرکز جمعیت های مختلف الجنس نیز یاد کرد که سهمی در بزه زایی محیط دارد بعلاوه غالباً نتیجه

بررسی ها، کم جمعیت کردن مرکز شهرها و یک جایجایی غیردلخواهانه جمعیت میباشد.

بالین حال ارزیابی نتایج این پیشگیری بر روی کاهش بزهکاری، مشکل است. در نتیجه کسی تا اینجا نتوانسته است روی این نکته رابطه ای دقیق برقرار سازد. در عوض سرعت پیشرفت و کنش اجتماعی اغلب به کاهش دادن و یا زایل کردن اشکال خاصی از جرائم منجر شده اند جرائمی که مربوط به عقب ماندگی اقتصادی، فرهنگی یا فقر منطقه ای است مثل زنا یا محارم، ولگردی و سقط جنین. نهایتاً باید یک پیشگیری جهت دار و هدفدار در مورد موقعیت های فرعی اجتماعی بعضی از محیط های اجتماعی را پیشنهاد کرد.

تحقیقات در کشورهای متعدد از مدت ها پیش بین تعلیم و تربیت ناقص، عدم موفقیت های تحصیلی، شرایط زندگی، مسکن، محیط اجتماعی و مشکلات مربوط به اشتغال جوانان از یک طرف و گسترش بزهکاری از طرف دیگر، مناسبتی منطقی را نشان داده است.

با وجود این نتایج، بهبود بخشیدن به سیاست های اجتماعی در یک طرح کلی مبهم و دوپهلوی می ماند.

دردموکراسی های غربی که میزان معتنا بهی از حمایت های اجتماعی در آنها برقرار است و این حمایت برای بودجه ملی خیلی گران تمام میشود، باز هم میزان بزهکاری در آنها شدید است. وانگهی انواع خیلی شدید و پر خاشگرانه بزهکاری نمی تواند بایک پیشگیری اجتماعی تقلیل پیدا کند. بالاخره باید مواظب باشیم که فراوانی سوژه باعث افراط نشود زیرا هر ارگانی از جامعه با اندازه خودش و در محدوده خودش میتواند جلوگیری کننده باشد و یا باید

جلوگیری کننده باشد، خانواده مدرسه، شغل، تجهیزات عامه و قواعد حقوقی که حقیقت وجودی خود را در مقابل ارزش اجتماعی یک چنین سیاستی از دست میدهد.

* پیشگیری هماهنگ :

از چند دهه قبل باین طرف برنامه های متعددی از قبیل تحقیقات یا آزمایشات در زمینه پیشگیری از جرائم ناشی از شهرنشینی در مناطق مختلف دنیا انجام شده است.

از سال ۱۹۷۸ در فرانسه شورای پیشگیری بوجود آمد و سال ۱۹۸۳ تغییراتی در این نظام تازه مولود داده شد. بیش از سیصد شورای استانی و دهستانی امروز وجود دارد و همچنین یک شورای ملی در سطح کشور، این شوراها قسمت اعظم نهاد پیشگیری را تشکیل میدهند

بسرای ایسنکه پیگیری از جنایتکار مورد قبول گروه اجتماعی باشد، نباید بعنوان جانشین وقائم مقام مجازات جلوه کنند، بلکه باید مجازات در کنار آن حفظ شود.

و تحت اختیار و سرپرستی شورای ملی هستند. نقش این تشکیلات نظم و ترتیب دادن و بحرکت در آوردن و مؤثرتر کردن اقدامات و ابتکارات سرویسهای مختلفی است که مأموریت پیشگیری از جرائم را دارند و اغلب اقداماتشان پراکنده و متفرق است.

بنابه تجربیات شورای پیشگیری ثابت شده است که اقدامات برای دادن نتیجه کامل باید هماهنگ و دارای نظم و ترتیب باشند. باینکه بیشتر صلاحیت ها از دولت ناشی میشوند یاری گروه های محلی، سازمان های شهرستانی و دهستانی و یاری مردم

اغلب ضروری است. بنابراین ضرورت اعمال و کنش های طرحریزی شده و ترکیبی وجود نظام پذیرفته شده پیشگیری را مطلوب می سازد.

سیاست پیشگیری عملکرد های مختلف پیشگیری را در جهات و اهداف زیر بکار می گمارد:

الف - محیط اجتماعی و چهارچوب زندگی:

از این لحاظ کنشها در موضوع شهرنشینی، سنگینی و ارتفاع مستغلات، تراکم و تمرکز منازل، موضوع اسکان موضوع زیرسازای اجتماعی - آموزشی بکار میروند.

ب - تقویت امنیت در رفت و آمد، حمل و نقل ها، پارکینگ ها، نظارت تلویزیونی بر متروها، سیستم اعلام خطر در اتوبوس ها و وسائل اعلام خطر در تاکسی ها، قانون روشنایی در پارکینگ ها، اقدامات ویژه درباره نقل و انتقال موجودی و سرمایه.

ج - کمک به قربانیان زیان دیده از جرم و جنایت، مثل جبران خسارت وارده، کمک عملی و روانی، افتتاح دفاتر کمک به قربانیان جنایات در شهرها و دایر کردن مراکز جمع آوری و پذیرش زنان مسأله دار و صاحب مشکل.

د - پذیرش انجمن های خصوصی نظارت و نگهبانی برای پیشگیری و ایجاد یک آئین نامه و تعیین شرایط اجرای تضمین های استخدامی پرسنل.

ه - پیشگیری درباره مسأله استعمال مواد مخدر و الکلیسم و مسائل مورد ابتلای جوانان مانند اردو، تعطیلات تابستانی و بیکاری جوانان رانده شده از جامعه و جوانان صاحب مشکل.

و - بکار بردن اقدامات قائم مقام حبس مثل کارهای عام المنفعه.

چنین سیاست پیشگیری در نظر دارد تاخلاء و کمبودهای رسیدگی کیفی

بقیه از صفحه ۱۴

پشتوانه چنان شهرت گسترده‌ای رادارد. و اگر گمان شود که فقهاء به این روایات استناد نجسته‌اند و این روایات کماکان برضعف سندی باقی هستند؛ در این صورت اجماع، خود دلیل محکم و مستقلى است که در فقه قابل استناد میباشد.

لذا صاحب ریاض، پس از آنکه از عده‌ای از بزرگان نقل اجماع می‌کند و اجماع در مسأله رامسلم می‌گیرد، می‌فرماید: «وهو الحجة مضافا الى الاصل...» (۲۴) خلاصه: اگر اجماع را مدرک دانستیم، روایات حجیت یافته مورد عمل اصحاب قرار گرفته‌اند و اگر استناد اصحاب را به روایات نپذیرفتیم، اجماع، مستقلا" دلیل معتبری خواهد بود.

لذا به علم اجمالی، یکی از دو حجت را در مسأله سلب صلاحیت زن برای منصب قضاوت در اختیار داریم: یا اجماع - اگر استناد به روایات نکرده‌اند - یا روایات، اگر به آنها استناد شده است. علاوه بر آیه یاد شده، که تقریباً صراحت در موضوع داشت.

نتیجه: حکم به عدم صلاحیت مزبور، قطعی و مستند به حجت قطعی است.

باتوجه به اینکه موضوع مقاله فوق از جمله موضوعاتی است که بحث و بررسی بیشتری را طلب میکند و آراء و نظریات مختلف در این خصوص ارائه شده لذا چنانچه اساتید و صاحب نظران استنباط و نظر خاصی در خصوص «صلاحیت و شایستگی زنان برای قضاوت» دارند مجله دادرسی جهت چاپ آن در شماره بعدی اعلام آمادگی می‌نماید.

اجتماعی در ماوراء رسیدگی کیفری است. اصولاً در مناطق شهری است که مساله پیش گیری با حدت بیشتری مطرح می‌گردد. پدیده شهر نشینی و اثرات شوم آن بر روی بزهکاری، امروزه در تمام مناطق دنیا مشاهده می‌شود. لازم است تا کشورهای پیشرفته، کشورهای در حال پیشرفت را از ارزش های تجربیاتشان در زمینه پیش گیری جرائم شهری، برخوردار

دانشمندان جرم‌شناس تردید ندارند که شهرنشینی اثری مثبت بر روی توسعه بزهکاری دارد.

عامل قطعی در افزایش شهرنشینی بی رویه در کشورهای غیر صنعتی عبارت است از: فشار توده محرومان و ازدیاد سرسام آور جمعیت.

سازند. این پیش گیری ها ممکن است بر حسب روش های مختلفی بکار برده شود؛ بعضی هادر نظر دارند هدف های بزهکاران را باروش های بسیار فنی تری کاهش دهند که این اقدام در قلمرو پیش گیری موضعی قرار خواهد گرفت. بعضی روش های دیگر نیز زمینه وسیعی از پیش گیری اجتماعی را در بر می‌گیرد. مولف پس از ذکر عملکردهای جدید مورد استفاده در فرانسه، روی هم رفته نتیجه می‌گیرد که مساله بزهکاری در هر جامعه‌ای نمی‌تواند تنها با توسل به پیش گیری مورد رسیدگی قرار گیرد حتی اگر این پیش گیری با افزون ترین معیار خود اعمال شود.

قدیمی و سنتی رابپوشاند، بخصوص در زمینه هایی که کنش اجتماعی بطور مؤثر می‌تواند جلوی مجازات را بگیرد. با وجود همه این احوال این سیستم پیش گیری نمی‌تواند رسیدگی کیفری را به حد دلخواه خود کاهش دهد. در تمام جوامع مسأله جرم نمی‌تواند منحصرأباتوسل به پیش گیری مورد رسیدگی قرار گیرد مگر اینکه جرائم ارتكابی غیر مهمه بوده و یا از جرائم منافی عفت و تجاوز و یا از جرائم اقتصادی باشند. اصلاح محیط اجتماعی و پیش گیری موضعی نباید مفهوم مسئولیت کیفری را کاهش دهد. مسئولیتی که باید در نزد افرادی که در گروه اجتماعی زندگی می‌کنند افزوده شود. در این زمینه پیش گیری باید گسترش یابد تا مجازات کیفری را بصورت یک دست آویز فوق العاده و نهایی در آورد که در صورت خارج شدن از نظم عمومی قابل اجراء باشد. بعلاوه نتیجه اقدامات پیش گیری بر روی کاهش بزهکاری هنوز به خوبی شناخته نشده است. این تحقیق باید به آنجا منتهی شود که ایجاد یک نظام خیلی متمرکز و بوروکراتیک پیش گیر راتشویق نکند. قبل از هر چیز باید توجه داشت که انسان اثر مطلوب کنش های پیش گیری کننده را انتظار دارد بخصوص از طریق بکار بردن برنامه های معین.

بطور خلاصه می‌توان گفت از چند سال پیش باین طرف مسئولین سیاسی نیز مانند جرم‌شناسان علاقمندی تازه‌ای به موضوع پیش گیری جرائم نشان میدهند.

این نکته ابتداء مربوط به عدم موفقیت های نسبی سیستم های سنتی و قدیمی رسیدگی کیفری در برابر طغیان بزهکاری مدرن می‌باشد و همچنین مربوط به اندیشه و اشتغال خاطر آنان برای پیدا کردن انواع جدید کنترل های